

قرآن توماس جفرسون

سباستین آر. پرنج

ترجمه‌ی انگلیسی قرآن یکی از کتاب‌هایی بود که توماس جفرسون به همراه دیگر کتاب‌های خود به کتاب‌خانه‌ی کنگره‌ی آمریکا واگذار کرد. سومین رئیس جمهور آمریکا و نویسنده‌ی اصلی «اعلامیه‌ی استقلال» این کشور چه دلیلی برای نگهداری و مطالعه‌ی کتاب مقدس مسلمانان داشت؟

بنای جفرسون، که ساختمان اصلی کتاب‌خانه‌ی کنگره را تشکیل می‌دهد، روبه‌روی ساختمان کنگره‌ی ایالات متحده در شهر واشنگتن دی‌سی قرار دارد. این کتاب‌خانه بزرگ‌ترین کتاب‌خانه‌ی جهان با بیش از ۱۴۰ میلیون کتاب و دیگر آثار چاپ‌شده است. ساختمان مجلل کتاب‌خانه با نمای خارجی نوکلاسیک و گنبد مسی و تالارهای مرمر به نام توماس جفرسون، یکی از بنیان‌گذاران ایالات متحده و نویسنده‌ی اصلی «اعلامیه‌ی استقلال» این کشور نام‌گذاری شده است. جفرسون از سال ۱۸۰۱ تا ۱۸۰۹ رئیس جمهور جمهوری تازه‌پا بود.

این نام‌گذاری همچنین حاکی از سهم مهمی است که جفرسون در ایجاد کتاب‌خانه داشته است. در دوران زمامداری اش کتاب‌خانه را از حفاظت قانونی برخوردار کرد، و در سال ۱۸۱۴، پس از آن که سربازان بریتانیایی در زمان جنگ انگلستان و آمریکا مجموعه‌ی سه‌هزار جلدی آن را به آتش کشیدند، به جهت جبران آن حادثه، تمامی یا بخشی از مجموعه‌ی کتاب‌های گوناگون خود را به آن اهدا کرد و چنین اظهار داشت که در آن مجموعه «هیچ موضوعی نیست که اعضای کنگره نتوانند به آن رجوع کنند.»

جفرسون حدود ۶۵۰۰ کتاب به کتاب‌خانه‌ی کنگره فروخت که در میان آن یکی از ترجمه‌های انگلیسی قرآن در دو جلد بود. وجود این کتاب، نخست در میان مجموعه‌ی خصوصی جفرسون و پس از آن در کتاب‌خانه‌ی کنگره، این پرسش‌ها را مطرح می‌سازد که چرا جفرسون آن را خریده، از آن چه استفاده‌ای کرده، و چرا آن را در گنجینه‌ی دانش کشور نوینش گنجانده بوده است.

این پرسش‌ها نظر به ادعای برخی از مفسران امروز اهمیت بیشتری به خود می‌گیرد. بر پایه‌ی مدعای این مفسران، جفرسون قرآن‌اش را در دهه‌ی هشتاد قرن هجدهم در واکنش به مناقشه‌ی میان ایالات متحده و «حکومت‌های بربر» شمال آفریقا – که امروزه شامل مراکش، الجزایر، تونس، و لیبی می‌شود – خریده بود. این مناقشه را جفرسون به دقت دنبال می‌کرد، و در سال ۱۷۸۶ به عقد عهدنامه‌ای میان ایالات متحده و مراکش مساعدت کرد، و این نخستین عهدنامه بین ایالات متحده و نیرویی خارجی است. پس از آن، روابط با الجزایر آزار و دردسر تولید کرده بود، زیرا حاکم آن در ازای پایان دادن به حملاتی که دزدان دریایی وابسته‌ی حکومت به کشتی‌های بازرگانان آمریکا صورت می‌دادند،

خواستار باج و عوارض شده بود. جفرسون نیز، قرص و استوار، از دادنِ باج سر باز زده بود. با توجه به این مورد، مدعای حکایات رایج امروز این است که جفرسون بدین منظور قرآن را مطالعه می‌کرده تا دشمن خود را به حکم مثل «دشمن خود را بشناس!» بهتر بشناسد، اما هنگامی که با دقت بیشتری به جایی که این نسخه از قرآن در کتاب‌خانه‌ی جفرسون نگاه داشته می‌شده نظری بیاندازیم، و جایگاه آن را در ذهن جفرسون در نظر آوریم، و نیز وقتی که بستر فکری این ترجمه‌ی خاص را بررسی کنیم، حکایت دیگری بازگو می‌شود.

توماس جفرسون از دوران جوانی کتاب می‌خواند و در طی زندگی، شمار بسیاری کتاب درباره‌ی موضوع‌های گوناگون جمع‌آوری کرده بود. مجموعه‌ای که به کتاب‌خانه‌ی کنگره فروخت مشتمل بر ۶۴۸۷ مجلد بود و موضوع‌های مختلفی از فلسفه‌ی قدیم تا آشپزی را در بر می‌گرفت. روش فهرست‌نویسی جفرسون در مورد کتاب‌خانه‌اش روشنگر جا و رده‌ای است که قرآن در ذهن او داشته است. طبقه‌بندی ۴۴ مقوله‌ای جفرسون تأثیر شدیدی از آثار فرانسیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶) گرفته بود که گذارش از وکیل به دولت‌مدار و از دولت‌مدار به فیلسوف حاکی از زندگی حرفه‌ای جفرسون بود. مطابق رأی بیکن، ذهن انسان مشتمل بر سه قوه است، و آن‌ها عبارت‌اند از: حافظه، استدلال عقلی، تخیل. کتاب‌خانه بر اساس این سه‌گانه سازمان‌دهی یافته بود، بدین ترتیب: تاریخ، فلسفه، هنرهای زیبا. هر یک از این مقولات دارای مقولات فرعی بود: به عنوان مثال، فلسفه منقسم به فلسفه‌ی اخلاق و ریاضیات شد، و فلسفه‌ی اخلاق منقسم به دو بخش: اخلاقیات و علم حقوق که خود به سه مقوله تقسیم می‌شد: دینی، مدنی، اقتصادی.

شیوه‌ای که جفرسون برای سازمان دادن به کتاب‌خانه‌اش برگزیده بود، با عبارت «طرح کلی ذهن او» توصیف شده است. جفرسون قرآن را در قسمت مربوط به دین نگاه می‌داشت، و جای آن در میان کتابی درباره‌ی اساطیر و خدایان قدیم، و نسخه‌ای از عهد عتیق بود. این که جفرسون آثار دینی را در مقوله‌ی کتاب‌های تاریخی یا اخلاقی - چنان که انتظار می‌رود - طبقه‌بندی نمی‌کرده، و در عوض جای مناسب آن‌ها را در میان کتاب‌های حقوقی می‌دانسته، روشنگر و محل تأمل است. جفرسون کتاب‌خانه‌اش را خود مرتب کرده بود و کتاب‌های دینی، از جمله ترجمه‌ی انگلیسی قرآن، را با دیگر آثار در طبقه‌ی مربوط به «علم حقوق» گذاشته بود که آن نیز خود تحت مقوله‌ی «فلسفه‌ی اخلاق» بود.

آشنایی با حکایت و ماجرای قرآن خریدن جفرسون امکان فهم و روشن شدن این طبقه‌بندی را فراهم می‌سازد. جفرسون نسخه‌ی قرآن خود را در سال ۱۷۶۵ خریده بود، به هنگامی که در «کالج ویلیام و مری» در ویرجینیا، در رشته‌ی حقوق، تحصیل می‌کرد. پس، این نظر که توجه جفرسون به اسلام به علت، و در پاسخ به، تهدید بربرها در مورد کشتی رانی بوده رد می‌شود، اما می‌توان توجه او به قرآن و تمایل‌اش به داشتن نسخه‌ای از آن را ناشی از مطالعات حقوقی او دانست. این واقعیت که جفرسون نسخه‌ی قرآن‌اش را در طبقه‌ی مربوط به علم حقوق گذاشته بود مؤید این نظر است و با آن سازگاری دارد.

در آن زمان ترجمه‌ی نسبتاً تازه‌ای از قرآن به زبان انگلیسی منتشر شده بود که هم از لحاظ فن ترجمه ارزش بیشتری از کوشش‌های پیشین داشت، و هم با حساسیتی همانند رویکرد رو به ظهور خود جفرسون تهیه شده بود. ترجمه‌ی جدید سبب‌ساز شد که جفرسون قرآن را کتابی حقوقی بیانگارد. این ترجمه را - که صرفاً «قرآن» نام گرفته بود - جورج سیل

انگلیسی تهیه کرده و در سال ۱۷۳۴ در لندن به چاپ رسانده بود. ویرایش دوم این ترجمه در سال ۱۷۶۴ به طبع رسید، و همین ویرایش بود که جفرسون به آن دست یافته بود. جورج سیل هم مانند جفرسون وکیل دعاوی بود، هرچند دل در گرو مطالعات شرق‌شناسی داشت. در پیش‌گفتار ترجمه‌ی قرآن، شکوه کرده بود که کار ترجمه «تنها در اوقات فراغت، در بحبوحه‌ی کارهای جنبی‌ای که پرداختن به آن‌ها لازمه‌ی حرفه‌ای پر دردرس است، صورت گرفته است.» همچنین، در این پیش‌گفتار، خواننده را از انگیزه‌ی ترجمه‌ی قرآن آگاه ساخته است: «اگر دانش‌اندوزی درباره‌ی مؤسسات دینی و مدنی ملل بیگانه را ارزشی باشد، دانش درباره‌ی مؤسساتی که محمد بنا نهاد همان ارزش را دارا است، چه او قانون‌گذار اعراب و مؤسس امپراتوری‌ای بود که در کمتر از صد سال به بیش از آنچه رومیان بر آن حکم می‌راندند، گسترش یافت.» سیل بر عملکرد محمد در سمت قانون‌گذار، و قرآن به عنوان منشأ یک سنت و مکتب حقوقی مستقل تأکید می‌کرد.

این مدعا به این معنا نیست که ترجمه‌ی سیل عاری از تعصباتی است که در اکثر آثار نویسندگان اروپایی در آن زمان به چشم می‌خورد. اما سیل خود را در سطح توهین‌هایی که در صفحات ترجمه‌های پیشین قرآن درج شده بود پایین نمی‌آورد، بلکه برعکس خود را متعهد می‌دانست که در مورد قرآن «رسم ادب را به جا آورد؛ و حتی گاه با جزئیات و مواردی که به نظرش درخور قدردانی بود، موافقت می‌کرد.» سیل، برای حفظ این تعهد، پیامبر اسلام را بدین صورت توصیف کرده است: «انسانی با استعداد فراوان، دارای منشی زیبا، برخوردار از زیرکی و ظرافت طبع، خوش‌رفتار، گشاده‌دست با تنگ‌دستان، مبادی آداب با همگان، بردبار با دشمنان، و برتر از همه‌ی این اوصاف، در نهایت احترام به هنگام یاد و نام خدا.» این توصیف تفاوت بارزی با آنچه مترجمان پیشین قرآن کرده بودند دارد. انگیزه‌ی اصلی آنان اثبات برتری مسیح بود.

علاوه بر آزادگی نسبی شیوه‌ی سیل، از لحاظ کیفیت ترجمه نیز کار او بهتر از مترجمان پیش از خود بود. ترجمه‌های قبلی قرآن از اصل عربی نبود، بلکه ترجمه‌ی انگلیسی از ترجمه‌ی لاتین یا ترجمه‌ی فرانسه صورت می‌گرفت، و این فرایند لایه‌ای از اغلاط جدید بر اشتباهات متنی که در دست داشتند می‌افزود. اما سیل ترجمه‌ی قرآن را از متن عربی تهیه کرد. او عربی را از طریق مشارکت در تهیه‌ی ترجمه‌ی عربی عهد جدید برای استفاده‌ی مسیحیان سوری فرا گرفته بود. «انجمن ترویج دانش مسیحی» در لندن هزینه‌ی آن طرح را تأمین کرده بود. سیل نزد چند تن از دانشمندان عرب که برای کمک به طرح مذکور به لندن رفته بودند به تحصیل عربی پرداخت و، پس از چند سال، به حدی تسلط بر آن زبان یافت که از جمله ویراستاران متن عربی عهد جدید شد.

در سوره‌ی زمر (۳۹) آیه‌های ۲۷ و ۲۸ چنین آمده است: «لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلهم یتذکرون. قرآنا عربیا غیر ذی عوج لعلهم یتقون.» (ترجمه‌ی فارسی آن، به قلم بهاءالدین خرمشاهی، چنین است: «و برای مردم در این قرآن از هرگونه مثل زده‌ایم، باشد که پندگیرند که قرآنی است عربی [شیوا] بدون کژی و کاستی، باشد که پروا پیشه کنند.») این دو آیه به نکته‌ی اساسی و در عین حال اثرگذار و مهمی درباره‌ی کتاب مقدس اسلام اشاره دارد: قرآن به زبان عربی دریافت و به همان زبان ثبت و کتابت شده است. مسلمانان معتقد اند که قرآن از زبان نزول‌اش جدا

نیست، و به همین جهت همه‌ی مسلمانان جهان آن را به عربی می‌خوانند، هرچند که اکثر مسلمانان نه عرب اند و نه زبان مادری‌شان عربی است. علاوه بر این، بسیاری از مسلمانان فصاحتِ قرآن را شاهدهی برالاهی بودن آن می‌دانند. نقل شده است که در زمان محمد یکی از شاعران معروف مکه پس از خواندن یکی از آیات قرآن، اسلام آورد زیرا به این نتیجه رسید که هیچ انسانی نمی‌تواند اثری بدان زیبایی بیافریند.

بدین ترتیب، هر کوششی که برای ترجمه‌ی قرآن به زبانی دیگر به عمل آید، با بیم و تشویش همراه است، و شاید به این دلیل است که مسلمانان ترجیح می‌دهند متن‌های غیرعربی قرآن را «تفسیری» از آن بخوانند. مشکلات ترجمه‌ی قرآن با دشواری‌هایی که در بطن امر ترجمه نهفته است مضاعف می‌شود؛ به عبارت دیگر، ترجمه‌ی کلمه به کلمه مستلزم این است که مترجم درباره‌ی معنا و مفهوم متن اصلی و معادل مناسب آن در زبان مقصدگزينش کند. به نظر می‌رسد که در خود قرآن نیز این مشکلات پیش‌بینی شده باشد: «... منه آیات محکمات، هنّ ام‌الکتاب و آخر متشابهاً فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأویل و ما یعلم تأویل الا الله والراسخون فی العلم.» (ترجمه‌ی فارسی، به قلم خرمشاهی: «...بخشی از آن آیات محکمات است که آن‌ها اساس کتاب است، و بخش دیگر متشابهاً است؛ اما کج‌دلان، برای فتنه‌جویی و در طلب تأویل، پیگیر متشابهاً آن می‌شوند، حال آن که تأویل آن را جز خداوند و راسخان در علم ... نمی‌دانند.»)

امروزه، بیشتر مترجمان قرآن مستقیماً و آشکارا با این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند، و رویکرد و شیوه‌ی ویژه و علت‌گزینش واژگان‌شان را [در مقدمه‌ی ترجمه] شرح می‌دهند. گرچه هرگز قرآن در هیچ زبان دیگری به غیر از زبان عربی، نسخه‌ی اصیل و نهایی به شمار نخواهد آمد، امروزه طیف گسترده‌ای از «ترجمه‌های» دقیق در دسترس خوانندگان انگلیسی‌زبان قرار دارد.

بدین ترتیب، جای شگفتی نیست که سیل پس از ترجمه‌ی کتاب مقدس مسیحیان به عربی، به ترجمه‌ی کتاب مقدس مسلمانان به زبان انگلیسی روی آورد و، با توجه به نبود ترجمه‌ی موثق و معتبری به زبان انگلیسی، کوشید که «متنی نزدیک‌تر به متن اصلی» به دست دهد. از بیم این که خوانندگان‌اش را بی‌جا نگران سازد، علت وفاداری خود را به متن اصلی چنین بیان کرد: «نباید انتظار داشت که خواندن برگردان چنان کتاب استثنایی و خارق‌العاده‌ای به سهولت و روانی نوشته‌های معاصر باشد.» در واقع، گرچه ممکن است امروز نثر انگلیسی سیل تصنعی به نظر آید، نمی‌توان منکر شد که او کوشیده است که تا حدی زیبایی و شاعرانگی متن عربی را به متن انگلیسی منتقل کند.

سیل در «گفتار مقدماتی» خود می‌نویسد: «در مجموع، سبک قرآن زیبا و روان است، به ویژه آن‌جا که به شیوه‌ی نبوی و عبارات کتاب مقدس تأسی می‌کند. ایجاز در آن رعایت شده، و اغلب با ابهام همراه است. مطابق ذوق شرقیان آراسته با استعارات بلاغی تند و برجسته، و سرزنده و نشیط از عبارات مصنوع و پرمغز و پرمطراق است، و در بسیاری از فقرات، به ویژه آن‌جا که شکوه و صفات خدا توصیف می‌شود، والا و مجلل است که خواننده آن را در مواردی مشاهده خواهد کرد، هرچند نباید بپندارد که ترجمه به خوبی اصل است، به رغم این که کوشیده‌ام حق آن را ادا کنم.»

در واشنگتن دی سی، در داخل بنای یادبود جفرسون، جمله‌ای از قانون مصوب سال ۱۷۷۷ درباره‌ی کثرت‌مداری دینی حک شده است که بر مفاد این حق مندرج در قانون اساسی تأثیر گذاشت که «هرگز هیچ آزمون دینی‌ای برای واجد شرایط مناصب رسمی بودن یا آنچه مربوط به اعتماد عمومی می‌شود، جایز نخواهد بود». سیل می‌خواست هم برگردان دقیقی از قرآن به دست دهد و هم چهره‌ی واقعی‌تری از اسلام را به خوانندگان‌اش عرضه کند. «گفتار مقدماتی» در نسخه‌ی متعلق به جفرسون، بیش از دویست صفحه از کتاب را در بر می‌گیرد. این «گفتار» که سیل آن را منصفانه نوشته و با موشکافی و وجدان‌کار مستند ساخته، شامل بخشی درباره‌ی قانون مدنی اسلامی است که در آن بارها به احکام مشابه موجود در آیین یهودی راجع به ازدواج، طلاق، ارث، معامله‌ی به مثل مجاز و احکام جنگ نیز اشاره شده است. در این مقدمه‌ی مفصل و پرمایه، سیل همان توجه بی‌طرفانه و منصفانه‌ای را نشان می‌دهد که بعدها بر جفرسون اثر گذاشت.

اما می‌توان پرسید: «آیا خواندن قرآن تأثیری بر توماس جفرسون گذاشت؟» پاسخ به این پرسش دشوار است، زیرا معهود اشاره‌های پراکنده‌ای که در نوشته‌هایش به قرآن کرده است نظر او را آشکار نمی‌سازد. هرچند ممکن است که خواندن قرآن علاقه‌ی او را به فراگرفتن زبان عربی برانگیخته باشد (در دهه‌ی هفتاد قرن هجدهم جفرسون تعدادی کتاب دستور زبان عربی خرید)، شاید اهمیت بیشتر آن در این باشد که تعهد او را به آزادی دینی تقویت کرده باشد. دو نمونه شاهد این مدعا است.

در سال ۱۷۷۷، سالی پس از این که جفرسون پیش‌نویس «اعلامیه‌ی استقلال» را تهیه کرد، وظیفه‌ی حذف بازمانده‌ی میراث مستعمراتی از قوانین ویرجینیا به او محول شد. او، به عنوان بخشی از این کار، پیش‌نویس لایحه‌ی آزادی دینی را نیز که در سال ۱۷۸۶ به تصویب رسید، تهیه کرد. جفرسون، در زندگی‌نامه‌ای که خود نوشته، از این میل شدید خود پرده برداشته است که این لایحه نه تنها باید همه‌ی فرقه‌های مسیحی را در برگیرد بلکه باید در پناه خود شامل «یهودی و غیریهودی، مسیحی و مسلمان، هندو و هرگونه فرد بی‌دین نیز باشد».

همه‌ی هم‌عصران جفرسون در این شیوه و رویکرد همه‌شمول به کثرت‌مداری دینی شریک نبودند. بسیاری از نویسندگان و دولت‌مردان اواخر قرن هجده با مهر و سخاوت و ازگانی کمتری از اسلام یاد می‌کردند. با اتکا به ترجمه‌های مغرضانه و روایات تحریف‌شده، نقشی که از اسلام می‌نمودند نماد همه‌ی خطرها و بیداد و استبدادی بود که جمهوری جوان سال، اندکی پیش از آن، از سرگذرانده بود. بسیاری از سیاستمداران آمریکایی که از جهان اسلام به عنوان نقطه‌ی ارجاعی برای اجتماع خود یاد می‌کردند، نگران حقیقت تاریخی یا توصیف دقیقی از اسلام نبودند، بلکه نظر به مصلحت سیاسی این توصیف داشتند.

هنگامی که ایالات برای تصویب قانون اساسی رأی می‌دادند، یک بار دیگر، این رویکردهای متفاوت در تعارض با نظر جفرسون قرار گرفت. یکی از مسائلی که مطرح شد (و اکنون ماده‌ی سوم اصل ششم است) این بود که «هرگز هیچ آزمون دینی‌ای برای واجد شرایط مناصب رسمی بودن یا آنچه مربوط به اعتماد عمومی می‌شود، جایز نخواهد بود». برخی از مخالفان تصویب قانون اساسی بر همین عدم تبعیض دینی خرده می‌گرفتند و داستانی خیالی می‌ساختند که

بر اساس آن، افراد مسلمان هم امکان می‌یافتند که به منصب ریاست جمهوری برسند. در سوی دیگر این بحث، طرفداران قانون اساسی یا فدرالیست‌ها بودند که به رغم مخالفت مکررشان با جفرسون در مورد سایر مسائل، نظر او را درباره‌ی رواداری دینی در حمایت از عدم محدودیت دینی و همچنین عدم محدودیت شهروندان برای تصدی خدمات دولتی می‌ستودند. همان‌گونه که تاریخ‌نگار آمریکایی، دنیس اسپلبرگ، در بررسی و پژوهش خود درباره‌ی این مناقشه در میان نمایندگان در کارولینای شمالی نشان داده است، در طی مباحثات راجع به قانون اساسی «در تعریف این که از عبارت شهروند آمریکایی چه معنایی مراد می‌شود، مسلمانان به صورتی نمادین وارد بحث می‌شدند.»

جالب است که در نظر بگیریم که وقتی جفرسون قرآن را مطالعه می‌کرد، احتمالاً ذهن خود را – تا آن‌جا که امروز تنها با حدس و گمان می‌توان گفت – بر ضد تعصبات معمول زمان خود آماده می‌کرد، و شاید این اعتقاد در ذهن‌اش شکل می‌گرفت که مسلمانان نه کم و نه بیش از دیگر پیروان ادیان اند، و در عین حال از همه‌ی حقوق قانونی کشور جدیدش برخوردار اند. و گرچه جفرسون از نخستین هواداران جدی جنگ با حکومت‌های بربر به سبب حملات آنان به کشتی‌های آمریکا بود، هرگز استدلال‌های خود را برای رفتن به جنگ با مسائل دینی نیامیخت، بلکه دلایل‌اش را با پای بندی قاطع به اصلی سیاسی اقامه می‌کرد. بنابراین، جفرسون به هیچ وجه قرآن را به هدف اطلاع یافتن از ذهنیت و عادات فکری دشمنان‌اش نمی‌خواند، بلکه به احتمال قوی آگاهی پیشین او از مفاد آن کتاب بر تحلیل‌اش از این که مناقشات بربرها ریشه در اقتصاد دارد نه دین، مهر تأیید می‌زد.

ترجمه‌ی انگلیسی سیل از قرآن تا صد و پنجاه سال همچنان بهترین ترجمه‌ی انگلیسی آن کتاب باقی ماند. امروز، کتاب‌خانه‌ی کنگره، علاوه بر نسخه‌ی اصلی قرآن متعلق به جفرسون، حدود یک میلیون کتاب درباره‌ی اسلام دارد مجموعه‌ی عظیمی از دانش برای هر یک از نسل‌های جدید قانون‌گذاران و شهروندان، مجموعه‌ای که از مجلدات جلدچرمی آن دانشجوی حقوق مایه گرفته است.

برگردان: نعیم نبیل اکبر

سباستین آر. پرنج دکترای خود را در رشته‌ی تاریخ از «مدرسه‌ی مطالعات شرقی و آفریقایی» از دانشگاه لندن دریافت کرده است. آن‌چه خواندید برگردان بخش‌هایی از این نوشته‌ی او است:

Sebastian R. Prange, '[Thomas Jefferson's Quran](#),' *AramconWorld*, July/August 2011.